

حقوق زن از فراز منبر

مشخصات کتاب:

نام کتاب: حقوق زن از فراز منبر

مؤلف: برگرفته از کتاب خطبه های جمعه

بازنگری: استاد منهاج الله فایق

کمپوز: بنایسته گل "قیس نبی زاده"

ناشر: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی / وزارت ارشاد، حج و اوقاف

چاپ اول: سال ۱۳۹۹ هـ ش

آدرس: شهرنو کابل - افغانستان

تیراژ: ۳۵۰۰ نسخه

ایمیل آدرس: islamicresearch@mohia.gov.af

هزینه چاپ: بودجه اختصاصی پلان عمل ملی قطعنامه (۱۳۲۵) (زنان صلح و امنیت) در

هماهنگی با آمریت جندر

مطبعه: مطبعه و بسته بندی رها - ۰۷۶۶۴۴۴۹۸۱

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است



تقریظ فضلیت‌آب محمد قاسم حلیمی
پیشگفتار ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

فصل اول

۱۱	حقوق زن از فراز منبر
۱۳	حیثیت و جایگاه زن در اسلام
۲۰	تکریم زن به حیث مادر
۲۳	تکریم زن به حیث دختر
۲۶	تکریم زن به حیث همسر

فصل دوم

۳۰	تعلیم و تحصیل زنان از دیدگاه اسلام
۳۱	فضیلت علم از دیدگاه حدیث نبوی
۳۳	وضعیت زنان قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب
۳۴	اساسی ترین عوامل که باعث محکومیت و مرگ دختران می شد
۳۴	نخست: عامل اقتصادی
۳۴	دوم: عامل فرهنگی
۳۶	موقف اسلام در قبال زن
۴۰	تعلیم دعاء به زنان
۴۱	سوال زنان از امور دین شان
۴۱	سوال زنان از دین و مسائل علمی
۴۲	زنان هم مثل مردان باید در ترویج و نشر علم بپردازند
۴۲	حکم و عظمی و تعلیمی مردان به زنان
۴۳	کتابت و دم و دعای زنان
۴۳	ضرورت تعلیم و تحصیل زنان
۴۴	محورهای تحصیل و تعلیم زنان

۴۵	موانع شرعی یا حقوقی و پیامدهای ناگوار عدم تعلیم و تحصیل زنان در افغانستان
۴۶	حکم تحصیل علوم عصری و دنیوی برای زنان

فصل سوم

۴۸	حقوق زن و حرمت خشونت علیه زنان
۴۹	تعریف حق
۴۹	تعریف اصطلاحی فقه
۵۰	تعریف حقوق
۵۰	پیشینه تاریخی حقوق زن
۵۲	وضعیت زنان قبل از اسلام
۵۳	وضعیت زنان بعد از اسلام
۵۴	حق حیات
۵۴	حق مالکیت و استقلال مالی زن
۵۵	حق اشتغال و تحصیل و در آمد
۵۵	حق ارث
۵۷	حق وصیت
۵۷	حق نفقه
۵۸	حق مهریه
۵۹	حق تعلیم و تحصیل
۵۹	حق انتخاب کردن
۶۲	حقوق سیاسی و اجتماعی
۶۴	راه حل ها
۶۴	نتیجه

تقریظ

فضیلت‌آب محمد قاسم حلیمی وزیر ارشاد، حج و اوقاف

ادوار مختلف تاریخ بشری، فرهنگ رفتارهای گوناگون و برخورد های متفاوت و گاهی متضادی را نسبت به زنان بیادگار داشته و بسترهای نامناسبی در مواجهه با زنان را ایجاد نموده که حتی آنان را از حقوق و امتیازات انسانی شان محروم و از بالندگی بازداشته است.

عوامل متعددی در محرومیت زنان از حقوق و وجایب شان دخیل بوده گاهی خود زنان نتوانسته اند آنچه را که بایسته شان است بدست آرند و گاهی مختارات و گونه های فکری و فرهنگی جوامع، مانع رشد و شکوفایی زنان در عرصه های مختلف علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی گردیده است.

جوامعی که زنان در آن به عنوان نصف پیکره جامعه پذیرفته شده اند زود تر از دیگران توانستند مسیر پیشرفت، تکامل و تمدن را پیمایند؛ اما، جوامعی که زنان در آن بنا بر دلایل فکری و فرهنگی نتوانسته اند جایگاه شایسته شان را بدست آرند هم چنان در مشکلات و سراسیمگی واقع اند.

هنگامی که دین مبین اسلام ظهور کرد، زنان و جایگاه آنان را در اولویت قرار داد، همان است که زنان نقش اساسی در توسعه و ترقی جامعه دارند و بعنوان مربی از جایگاه ویژه ای در تعلیم و تربیه مدیران و رهبران آینده برخوردار اند.

اسلام زن و نظام حقوق زنان را تعریف و آنان را به اوج عزت رسانده، انسانیتش را به او باز گرداند، همه حقوقش را به رسمیت شناخت و با دیدی فراگیر و جامع و با درنظر گرفتن همه ویژگیهای آنان، جایگاه و شخصیت والایی برایشان درنظر گرفت.

درمیان تمدنهای کهن و نوبیاد، تنها دین مقدس اسلام صاحب این امتیاز است و می‌تواند ادعاء کند که ارزش واقعی را برای زنان به ارمغان آورده است.

بناء کشور عزیز ما افغانستان که از چهار دهه به اینطرف دچار جنگ های خانمانسوز ناشی از تحریکات و مداخلات کشورهای بیرونی می باشد، کار در جهت نشر مفاهیم و ارزشهای ناب اسلامی با درنظرداشت مقتضیات عصر و زمان و نیازمندی های جامعه از جمله کتاب حاضر **(حقوق زن از فراز منبر)** به منظور تغییر حقیقی و مثبت در جهت تأمین حقوق زن و زدودن فرهنگ منفور زن ستیزی گامی است ارزشمند و درخور ستایش و تقدیر.

مهمترین ثمره کتاب حاضر این خواهد بود که در آن حقوق، وجایب و نگاه نسبت به زن در جامعه جاهلیت عرب قبل از اسلام و بعد از بعثت فرستاده الله جل جلاله با استفاده از منابع معتبر اسلامی (قرآن و حدیث) پرداخته شده است.

من از رئیس و نویسندگان فرهیخته و پرتلاش ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی که همیشه مطالب مهم و ضروری را با درنظرداشت اولویت ها و مقتضیات عصر و زمان و نیازهای جامعه ما تهیه و آماده نشر می نمایند، تشکر نموده و ضمناً موفقیت های مزید شان را آرزو می نمایم، چاپ و نشر این رساله را یک گام مثبت و مطالعه آن را سودمند و مفید می دانم.

محمد قاسم حلیمی

وزیر ارشاد، حج و اوقاف

سال ۱۳۹۹

پیشگفتار

ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ، نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَمِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَمَنْ يَضِلَّ فَلَا هَادِيَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَكُلِّ مَنْ اهْتَدَى بِهِدْيِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

امابعد:

علمای کرام، امامان و خطبای عظام، همیشه کوشیده اند که از فرازمنابر مساجد مردم را از مقام، منزلت و جایگاه شامخ زنان از دیدگاه دین مقدس اسلام و نقش کلیدی آنان در ساختار و تکوین خانواده و تشکیل جامعه تنویر افکار عامه نموده و خشونت را در برابر زنان پیوسته تقبیح و محکوم نموده اند.

بدون شک دفاع از حقوق و جایگاه زنان از فرازمنابر از اهمیت و ارزش و اهتمام خاصی برخوردار بوده؛ و برای مخالفان اجازه نمی دهد که علیه این دین فرخنده و انسان ساز اتهام و شبهات را وارد نمایند.

زن از منظر دین مقدس اسلام همانند مرد، در دعوت و عبادت، مسؤولیت، تربیه نسل ها، اصلاح و پیشرفت مادی و معنوی جامعه، نقش کلیدی دارد، طوری که قرآن عظیم الشان می فرماید: {وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ} التوبه: ۷۱

یعنی: "و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند و از خدا و

پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است."

هكذا پیامبر گرامی اسلام، زن را همانند یک عضو بهم پیوسته با مرد، و از اسباب سعادت و نیک بختی در زندگی فردی و اجتماعی دانسته و می‌فرماید: (**إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ**) سنن إمام أبي داوود.

یعنی: "جز این نیست که زنان پاره‌های هم‌نوع مردان‌اند."

این اثر علمی (**حقوق زن از فراز منبر**) حاوی موضوعات ذیل می‌باشد:

۱- حیثیت، جایگاه و تکریم زن در اسلام.

۲- تعلیم و تحصیل زنان از دیدگاه اسلام.

۳- حقوق زن و حرمت خشونت علیه زنان.

۴- پیشینه تاریخی حقوق زن (وضعیت زنان قبل از اسلام و بعد از اسلام)

بناء از خوانندگان محترم تقاضاء می‌نمایم که به محتویات این مجموعه و عمل به حقوق زن مسلمان توجه و اهتمام ویژه را مبذول بدارند.

اینک به نیت حسن ختام، دوام صحت و موفقیت، رشد هرچه بیشتر فکری و توانمندی‌های علمی، نویسندگان، آمرین و اعضای محترم مسلکی این ریاست را از خداوند منان رجامندم و برای مقام رهبری این وزارت و سایر مسئولین و دوستانی که این نهاد علمی، تحقیقی و تدقیقی را، درانجاز این عمل بابرکت به نحوی، یاری نموده‌اند، اجر عظیم و توفیق مزید، استدعاء می‌نمایم.

محمد شریف رباطی درانی

رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

شهرنو- کابل

سال ۱۳۹۹ خورشیدی

فصل اول

حقوق زن از فراز منبر

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيد الأنبياء والمرسلين، محمد وعلى آله وصحبه أجمعين؛

اما بعد: فقد قال الله سبحانه وتعالى في محكم كتابه، أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^(۱)

حقوق و جایگاه زن در جامعه اسلامی از بحث‌هایی است که امروزه تقریباً در همه کشورهای اسلامی و در سطح جهان به درجات مختلف مطرح است. دشمنان اسلام با تکیه بر تعاملات، عنعنات و رسم و رواج‌هایی که در خانواده‌های مسلمان و کشورهای اسلامی در برابر زنان صورت می‌گیرد، مانند موضوعات میراث، ولایت ازدواج، تحصیل، آزادی‌ها، شغل در خارج منزل، فعالیت سیاسی و اقتصادی و ده‌ها مورد و مسایل دیگر، که در آن به نحوی بر حقوق و حیثیت زن در خانواده و جامعه اجحاف بعمل آمده و جایگاه انسان بودن زن نادیده گرفته می‌شود، انگشت گذاشته و آنرا برخاسته از احکام اسلامی و قوانین شرعی می‌دانند. این در حالیست که اگر درست تحقیق شود، ثابت می‌گردد که بیشترین اجحاف حقوق و خشونت‌هایی که

امروزه بر علیه زنان صورت می گیرد، از اسلام منشأ نگرفته، بلکه ریشه در رسم و رواجها و عنعنات قبیله‌ای و قومی دارد که اکثریت از روی نادانی آنرا به شریعت با احکام اسلامی نسبت می دهند. در کشور ما کسان و گروهایی هستند که به تبعیت از گفتارهای و نوشتارهای دشمنان آدرس دار اسلام، این حرفها را ترویج می کنند و دین مقدس اسلام و پیامبر گرامی آنرا متهم به اجحاف در باره زن و حقوق آن می نمایند.

یکی از برنامه های پرهزینه ای که طی یک و نیم دهه گذشته در افغانستان خیلی رایج بوده و پولهای فراوانی روی آن هزینه شده، موضوع احقاق حقوق زنان و مبارزه در مقابل خشونت علیه زنان می باشد. این برنامه با وجود مصارف گزاف و تلاشهای همه جانبه، نتیجه مثبت نداده است، خشونت علیه زنان نه تنها که تقلیل نیافت، بلکه افزایش هم یافته است؛ زیرا ما درین دو سه سال اخیر اخبار بسیار تکان دهنده ای را از موارد خشونت علیه زنان در ولایات و مناطق روستایی کشور می شنویم. دلیل این نتیجه معکوس این است که برنامه مبارزه با خشونت علیه زنان در افغانستان اصولاً روی اساس غلط طراحی و به پیش برده شده است. این برنامه ها که اکثراً از طرف تمویل کنندگان مشکوک طرح و تطبیق می شود، به عوض اینکه با اسباب و انگیزه های خشونت مبارزه کند، احکام اسلامی در رابطه به حقوق و جایگاه زن را هدف قرار داده و در واقع مبارزه با شریعت را تحت عنوان مبارزه برضد خشونت علیه زنان پیش می برد.

بخاطر اینکه برادران مسلمان ما از جایگاه زن در اسلام آگاه شوند و اتهامات مخالفان اسلام برملا گردد، موضوع خطبه امروز را به جایگاه زن در اسلام اختصاص داده ایم تا روشن گردد آیا در اسلام واقعاً جایگاه و حقوق زن نادیده گرفته شده است و یا خیر؟

حیثیت و جایگاه زن در اسلام

زن در اسلام خواهر اصلی مرد است که با او در انسان بودن و کرامت انسانی، بدون کوچکترین کمبود شریک است، و هر دو در قابلیت اینکه مورد خطاب تکلیف الهی قرار گیرند، حیثیت مساوی دارند.

اسلام به وضاحت اعلام می‌دارد که زن و مرد در اصل آفرینش، در خصایص عام بشری، در تحمل تکالیف و مسئولیت‌ها، در پاداش و کیفر با هم مساوی هستند.

قرآن کریم درین باره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^(۱)

ترجمه: ای مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت. و از (خشم) خدائی بپرهیزید که همدیگر را بدو سوگند می‌دهید؛ و بپرهیزید ازینکه پیوند خویشاوندی را گسیخته دارید (وصله رحم را نادیده گیرید)؛ زیرا بیگمان خداوند مراقب شما است (و کردار و رفتار شما از دیده او پنهان نمی‌ماند).

وقتی که خداوند مردم - اعم از مردان و زنان - را از یک نفس آفرید، و سپس ازین نفس جفت او را بیافرید تا به کمال برسد، سپس ازین یگانه خانواده بشری، مردان و زنان زیادی بیافرید که همه بندگان یک پروردگار، فرزندان یک پدر و یک مادر

هستند، بنابر این اولاد آدم علیه السلام اعم از زن و مرد - را پیوند اخوت بشری با هم جمع می کند.

با توجه به این نص قرآنی مرد برادر زن، و زن خواهر مرد است. پیامبر (صلی الله علیه وسلم) درین باره می فرماید: «إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ».^(۱)

اسلام زن و مرد را در تکالیف شرعی، دینداری و عبادت باهم مساوی میداند؛ قرآن کریم در این باب می فرماید: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالذَّكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^(۲)

ترجمه: مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان با ایمان و زنان با ایمان، مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه دار و زنان روزه دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار خدا را یاد می کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش بزرگی فراهم ساخته است.

همچنان اسلام زن و مرد را در پاداشی که خداوند در مقابل طاعت، و کیفری که در برابر گناه تعیین نموده است، مساوی اعلام می دارد؛ که البته حسنات مرد در طاعت بخاطر مرد بودنش افزایش نمی یابد، همچنانکه حسنات زن به خاطر زن بودنش کاهش نمی پذیرد.

(۱) سنن أبی داود، حدیث: ۲۳۶.

(۲) سوره احزاب: ۳۵.

پس وقتی مرد و یا زن مرتکب گناهی می‌شود، کیفر هر دو مساوی است، یعنی کیفر زن به خاطر مؤنث بودنش افزایش نمی‌یابد، و همچنانکه کیفر مرد بسبب مذکر بودنش کاهش نمی‌یابد. خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا﴾^(۱) ترجمه: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید.

همین گونه خداوند در آیه ۷۱ سوره التوبه مرد و زن را در انجام مسئولیت‌های اساسی اجتماعی شان یکسان اعلام می‌دارد، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ﴾^(۲)

ترجمه: مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران برخی دیگرند، همدیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند، و نماز را چنانکه باید می‌گزارند، و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیغمبرش فرمانبرداری می‌کنند. ایشان کسانی اند که خداوند بزودی ایشان را مشمول رحمت خود می‌گرداند.

در داستان آدم (علیه السلام) می‌بینیم که تکلیف الهی یکسان متوجه آدم (علیه السلام) و همسرش حوا شده، آنجا که می‌فرماید: ﴿وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^(۳)

ترجمه: و گفتیم ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از (نعمتهای فراوان و گوارای) آن، هر چه و هر کجا که می‌خواهید، خوش و آسوده بخورید، ولیکن نزدیک این درخت نشوید و از آن نخورید چه (اگر چنین کنید) از ستمگران خواهید شد.

(۱) سوره مائده: ۳۸.

(۲) سوره توبه: ۷۱.

(۳) بقره: آیه ۳۵.

نقطه جالب توجه در این داستان این است که قرآن کریم اغواگری آدم (علیه السلام) را - برخلاف آنچه که در تورات آمده - به شیطان نسبت می‌دهد نه به حوا؛ چنانکه می‌فرماید: ﴿فَازَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ﴾^(۱) ترجمه: اما شیطان موجب لغزش آنان شد و ایشانرا از آنچه در آن بودند (که بهشت بود) خارج ساخت.

همچنان در داستان قرآن این حوا نیست که به تنهایی از درخت ممنوعه تناول می‌کند، و نه او آغازگر این کار هست، بلکه خطا از هر دو (آدم و حوا) آنها سر می‌زند، همچنانکه هر دو پشیمان و توبه گزار می‌شوند. چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۲)

ترجمه: (آدم و همسرش، دست دعا بسوی خدا برداشتند و) گفتند: پروردگارا! ما (با نافرمانی از تو) بر خویشتن ستم کرده ایم، و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.

در بعضی آیات قرآنی خطا اساساً به شخص آدم (علیه السلام) نسبت داده شده است، چنانکه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً﴾^(۳) ترجمه: در آغاز کار، ما به آدم فرمان دادیم (که از میوه درخت ممنوع نخورد) اما او ترک فرمان کرد و (از آن خورد، و در اوائل کار) از او تصمیم درستی واراده استواری مشاهده نکردیم.

(۱) سوره بقره: آیه ۳۶.

(۲) سوره اعراف: آیه ۲۳.

(۳) سوره طه: ۱۱۵.

﴿فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَئَادَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّيْلِي فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْءُ تُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى-ءَادَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾^(۱)

ترجمه: سپس شیطان (به نیرنگ و حيله نشست و) آدم را وسوسه کرد (و بدو) گفت: آیا تو را به درخت جاودانگی و ملک فنا ناپذیر رهنمود کنم؟ (اگر از این درخت ممنوعه بخورید، دیگر نمی میرید و سرمدی می شوید) سرانجام هر دو نفر از آن خوردند (و جامه های بهشتی از بدنشان فرو ریخت و) عورت خود را دیدند (که تا آن زمان از ایشان پنهان بود) و شروع کردند به اینکه برگهای درختان بهشت را بر خود بپسند و بچسباند. بدین گونه آدم از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد و گمراه شد. همچنانکه توبه صرفاً به آدم (علیه السلام) نسبت داده شده است: ﴿ثُمَّ أَجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى﴾^(۲)

ترجمه: سپس پروردگار او را (برای پیغمبری) برگزید و توبه اش را پذیرفت و (به سوی اعتذار و استغفار) رهنمودش کرد. کلیه آیات مذکور بر این نکته دلالت دارند که در داستان آدم و حوا، در ارتکاب گناه مرد اصل و زن دنباله رو اوست.

بنابر این زن در اسلام مسئول نخستین گناه بشری، سبب اغوای آدم و باعث طرد او از بهشت - چنانکه یهود و نصارا عقیده دارند - شناخته نمی شود.

بالفرض بپذیریم که حوا عامل آن بود، باز هم مسئولیت عواقب این گناه را جز شخص حوا کس دیگری متحمل نمی شود، و در این میان دختران حوا (زن) از تحمل گناهی که وی مرتکب شده است، بریء هستند؛ زیرا (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) هیچ نفسی گناه نفس دیگری را بدوش نمی گیرد.

(۱) سوره طه: ۱۲۰-۱۲۱.

(۲) سوره طه: ۱۲۲.

دین مبین اسلام انسان را مکرم اعلام داشته و معیار برتری او را تقوا و عمل صالح قرار داده است؛ آنجا که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^(۱)

ترجمه: ای مردمان! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و حواء) آفریده ایم، و شما را تیره تیره و قبیله قبیله نموده ایم تا همدیگر را بشناسید (و هر کسی با تفاوت و ویژگی خاص درونی و بیرونی از دیگری مشخص شود، و در پیکره جامعه انسانی نقشی جداگانه داشته باشید) بیگمان گرامی‌ترین شما در نزد خدا متقی‌ترین شماست.

این دو آیه کریمه به وضوح بدان دلالت دارند که هر دو شق انسان (مرد و زن) در کتاب و دین خدا مکرم هستند، بدون اینکه فرق ذکورت و انوشت در زیادت و یا نقصان این تکریم الهی اثری داشته باشند. اینجاست می‌بینیم که در اسلام ارزش انسانی زن به خاطر مؤنث بودنش نقصان نیافته است، بلکه اسلام مؤنث بودن زن را تقدیر نموده و آن را عنصر مکمل مرد شمرده است، همچنانکه مرد مکمل زن می‌باشد؛ بنابر این زن و مرد از دید اسلام دشمن یکدیگر نیستند، و نه ضد یا رقیب هم نیستند، بلکه در تکمیل شخصیت و نوع انسان یاور یکدیگر شمرده می‌شوند.

در اسلام زن در همه حالات چه مادر، چه دختر و چه خواهر انسان محترم و مکرم است؛ زیرا زن نیم جامعه بشریست، و آنهم نیمی که در حیات جامعه نهایت تأثیر دارد؛ چون زن نخستین مدرسه ایست که نسلهای بشری در آن ساخته می‌شوند، و در آن کودکان و نوجوانان پرورش می‌یابند؛ همه می‌دانیم آنچه را که طفل از مادر فرا می‌گیرد، با الگو برداری از آن، آینده کشور و سرنوشت ملت و جامعه خود را رقم می‌زند.

زن عبارت از موجودیست که در زندگی مرد تأثیر بسیار با اهمیت دارد؛ زیرا زن همسر اوست، یعنی مایه تسکین روح و محبت، و یاور شوهر است در اداره نظام زندگی، زن مادر مهربانیست که اگر همه مردان جهان دست بهم دهند هرگز نمی‌توانند وظیفه او را به حیث مادر انجام دهند. بدون زن کودکان نوازش نمی‌بینند و نسلها پرورش نمی‌یابند، زن دختر با عاطفه و یا خواهر مهربان مرد است.

یکی از نمونه‌های عدالت مطلق خداوند اینست که میدان برتری میان افراد بشر را کسبی و اختیاری قرار داده، نه قصدی و اجباری، به گونه‌ایکه دست انسان در ایجاد آن نقشی ندارد، مانند ذکورت و انوثن، رنگ و نژاد، قوم و نسب و قبیله؛ زیرا اینها همه امور اجباری هستند که دست انسان در ایجاد و یا ازاله آن نقشی ندارد؛ بنابر آن امور متذکره - عقلاً و شرعاً - نمی‌تواند معیار برتری میان انسان‌ها باشد؛ چه بسا زن نیکوکار، دانا و خیرخواه که بر بسیاری مردان نادان، فاسق و بد بخت برتری و برجستگی دارد.

زن در خانواده و جامعه اکثراً با برخورداری از سه حیثیت متمایز حضور دارد که هر کدام آن از نظر اسلام محترم و مکرم است. برای توضیح بیشتر ما جایگاه زن را با توجه به مادر بودن، دختر بودن و همسر بودنش مورد بحث قرار می‌دهیم.

(۱)

تکریم زن به حیث مادر

در تاریخ بشر هیچ دین و نظامی دیده نشده که به اندازه اسلام زن را در جایگاه مادری مورد احترام قرار داده، و مقام او را بالا برده باشد. در اسلام سفارش‌های مؤکدی نسبت به تکریم مادر آمده است، که احترام به مادر در ردیف سفارش به ایمان به توحید و عبادت خداوند قرار گرفته است، و نیکی با مادر از جمله واجبات دین توصیه شده است. در اسلام حقوق مادر با توجه به رنج فراوانی که مادر هنگام بارداری، ولادت، شیرخوارگی و تربیه طفل تحمل میکند، مؤکدتر از حق پدر و مکرراً در چندین سوره قرآن کریم ذکر گردیده است تا این حقیقت را در ذهن فرزندان‌شان نهادینه سازد که حقوق مادر بعد از حقوق الله در صدر حقوق یک انسان بر انسان دیگر قرار دارد، چنانکه خداوند می‌فرماید: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَلَدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَيَّ وَهْنًا وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾^(۱)

ترجمه: ما به انسان در باره پدر و مادرش سفارش کرده ایم (که در حق ایشان نیک باشد و نیکی کند، بویژه مادر، چرا که) مادرش بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه ای دچار آمده است. پایان دوره شیرخوارگی او دو سال است (و در این دو سال نیز کودک شیر، یعنی شیرۀ جان مادر را می‌نوشد. مادر در این مدت ۳۰ ماهه حمل و شیرخوارگی، مهمترین خدمات و بزرگترین فداکاری را مبذول می‌دارد. لذا به انسان توصیه ما این است) که سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش، و (بدان که سرانجام) بازگشت به سوی من است (و نیکان را جزا و بدان را سزا می‌دهم).

در حدیث صحیح آمده است: «جاء رجل إلى النبي (صلى الله عليه وسلم) يسأله: من أحق الناس بحسن صحابتي؟ قال: «أُمك». قال: ثم من؟ قال: «أُمك». قال: ثم من؟ قال: «أُمك». قال: ثم من؟ قال: «أُمك»^(۱)

ترجمه: شخصی نزد پیامبر (صلى الله عليه وسلم) آمد و پرسید: کی بیشتر مستحق حسن معاشرت من است؟ پیامبر (صلى الله عليه وسلم) فرمود: مادرت؛ شخص پرسید: بعد از آن کی؟ فرمود: مادرت، گفت: بعد از آن کی؟ آن حضرت فرمود: مادرت، گفت: بعد از آن کی؟ فرمود: پدرت!

همچنان روایت شده: «أن رجلا كان بالطواف حاملا أُمه يطوف بها، فسأل النبي (صلى الله عليه وسلم): هل أدیت حقها؟ قال: «لا، ولا بزفرة واحدة» أي من زفرات الطلق والوضع ونحوها»^(۲)

ترجمه مردی مادر خود را به پشت خود حمل کرده به دور کعبه طواف می داد، از پیامبر (صلى الله عليه وسلم) پرسید: آیا حق او را ادا کرده ام؟ پیامبر (صلى الله عليه وسلم) فرمود: نه، حتی حق یک چیغ او را. یعنی حق یک چیغ از چیغهایی که مادر به هنگام ولادت فرزندش سر می دهد.

در حدیث دیگر آمده است: «جاء رجل إلى النبي (صلى الله عليه وسلم) فقال: يا رسول الله! أردت أن أغزو، وقد جئتُ أَسْتَشِيرُكَ، فقال: «هل لك من أم؟» قال: نعم؛ قال: «فالزمها فإن الجنة عند رجليها»^(۳).

ترجمه: شخصی نزد پیامبر (صلى الله عليه وسلم) آمد و گفت: یا رسول الله! می خواهم در جهاد شرکت کنم، آمده ام تا از شما در این باره مشوره بگیرم. پیامبر (صلى الله عليه وسلم) فرمود: «هل لك من أم؟»

(۱) متفق علیه.

(۲) مسند البزار، حدیث: ۴۳۸۰.

(۳) سنن السائی، حدیث: ۳۱۰۴.

وسلم) فرمود: آیا مادری داری؟ گفت: بله؛ فرمود: پس با او باش که بهشت زیر پاهای اوست.

از نمونه‌های تکریم مادر در اسلام، نیکی با مادر غیر مسلمان است؛ در این باره حدیث متفق علیه از اسما بنت ابوبکر رضی الله عنهما روایت شده که او از پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در باره صلۀ رحم با مادرش که مشرک بود، پرسید: پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: آری با مادرت صلۀ رحم داشته باش!

نمونه دیگر ارج گذاری اسلام به زن، رعایت عاطفه مادری زن نسبت به فرزندانش است؛ یعنی در صورتیکه زن و شوهر روی اسبابی از هم جدا شوند، مادر مطلقۀ طفل نسبت به پدرش در حضانت و نگهداری او مستحق تر شناخته شده است.

در حدیث آمده است: «إِنَّ امْرَأَةً قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ ابْنِي هَذَا، كَانَ بَطْنِي لَهُ وَعَاءٌ، وَثَدْيِي لَهُ سَقَاءٌ، وَحَجْرِي لَهُ حَوَاءٌ، وَإِنْ أَبَاهُ طَلَقْنِي، وَأَرَادَ أَنْ يَنْتَزِعَهُ مِنِّي! فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): "أَنْتِ أَحَقُّ بِهِ مَا لَمْ تَنْكَحِي"». ^(۱)

ترجمه: زنی به پیامبر (صلی الله علیه وسلم) گفت: یا رسول الله! این پسر من که شکم جایگاهش، پستانهایم آبشخورش و آغوشم پناه گاهش بود، اینک پدرش که مرا طلاق داده می‌خواهد او را از من بگیرد! پیامبر فرمود: تا زمانی که شوهر نکرده‌ای در نگهداری و حضانت طفل مستحق‌تری.

(۲)

تکریم زن به حیث دختر

عربها در جاهلیت تولد دختران را نشانه شوم و نامیمون تلقی کرده و از آن دل تنگ می شدند، که متأسفانه چنین احساسی در جامعه ما نیز وجود دارد. رسم و عادات جاهلی موروثی در میان عربها به پدر اجازه می داد تا دختر خود را به خاطر فقر و فاقگی و یا بیم ننگی که ممکن است آن دختر به هنگام جوانی به خانواده، قوم و قبیله خود بار آورد، زنده به گور کند. قرآن کریم حالت پدران در جامعه جاهلی عرب را به هنگام ولادت دختران، چنین توصیف می کند:

﴿وَإِذَا بُسِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُسِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾^(۱)

ترجمه: (دختران را مایه ننگ و سرشکستگی و بدبختی می دانستند) و هنگامی که به یکی از آنان مژده تولد دختر داده می شد (آنچنان از فرط ناراحتی چهره اش تغییر می کرد که) صورتش سیاه می گردید و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می شد. از قوم و قبیله (خود) به خاطر این مژده بدی که به او داده می شد، خویشتن را پنهان میکرد (و سرگشته و حیران به خود می گفت: آیا این ننگ را بر خود بپذیرد و دختر را نگاه دارد و یا او را در زیر خاک زنده بگور سازد؟ هان! چه قضاوت بدی که می کردند!!

در همچو شرایطی اسلام آمد و دختر را نه مایه ننگ، بلکه - همانند پسر - هبه و نعمت خداوند شمرد که برای بندگان خود می بخشد؛ قرآن کریم درین باره می گوید: ﴿يَهَبُ

لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاءً وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الْذُّكُورَ، أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاءً وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»^(۱)

[ترجمه: به هر کس که بخواهد دخترانی می‌بخشد و به هر کسی که بخواهد پسرانی عطاء میکند. و یا اینکه هم پسران می‌دهد و هم دختران، و خدا هر که را بخواهد نازا می‌کند، او بس آگاه و توانا است.]

در قصص قرآنی می‌خوانیم، برخی دختران نسبت به بسیاری پسران کارهای بزرگتر و جاودانه تری انجام داده اند، چنان که این حقیقت را در داستان مریم دختر عمران می‌بینیم که خداوند او را بر می‌گزیند، پاکیزه اش می‌سازد و بر سایر زنان جهان برتری می‌بخشد. در داستان مریم آمده است: وقتی زن عمران مریم را در شکم خود داشت، آرزو می‌کرد که حملش مذکر باشد تا خدمت هیکل (معبد) را انجام دهد و از جمله نیکوکاران باشد؛ اما هنگامی که حمل دنیا آمد برخلاف انتظار زن عمران، مؤنث بود، که خداوند با وجود مؤنث بودنش، او را پذیرفت و نیک ببارش آورد.

پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بهشت و همجواری خود در آنجا را پاداش پدری اعلام می‌دارد که با دخترانش تعامل حسنه داشته و در تربیه و حسن تأدیب و تعلیم آنها سعی و صبر به خرج دهد، و حق خداوند را در باره ایشان مراعات نماید تا که دختران بزرگ شوند و یا اینکه خودش بمیرد.

چنانکه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) در حدیثی می‌فرماید: «مَنْ عَالَ جَارِيتَيْنِ دَخَلَتْ أَنَا وَهُوَ الْجَنَّةَ كَهَاتَيْنِ وَأُشَارُ بِأَصْبَعِيهِ السَّبَابَةِ وَالَّتِي تَلِيهَا»، و در لفظ دیگر: «مَنْ عَالَ جَارِيتَيْنِ حَتَّى تَبْلُغَا، جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنَا وَهُوَ» وضم أصابعه.^(۲)

(۱) سوره شوری: ۴۹-۵۰.

(۲) صحیح مسلم، حدیث: ۲۱۳۱ و سنن الترمذی، حدیث ۱۹۱۴

ترجمه: کسیکه دو دختر را نفقه دهد و تربیت کند، من و او مانند این دو انگشت (سبابه و وسطی) با هم داخل بهشت می شویم.

در حدیث دیگر می خوانیم: «ما من مسلم تدرک له ابنتان فیحسن إلیهما ما صحبتاه - أو صحبهما - إلا أدخلتاه الجنة».^(۱)

ترجمه: هر مسلمانی که دو دختر داشته باشد و با آنها در مدتی که با وی هستند، نیکویی کند، قطعاً آن دو دختر او را داخل بهشت خواهند ساخت.

بعضی احادیث بدان تصریح دارند که این پاداش نیز برای برادری وعده داده شده که به تربیه و نفقه خواهران و یا دو خواهر خود می پردازد.

هکذا برخی احادیث به این دلالت دارد که این مکافات الهی شامل کسانی است که به جنس دختر خوبی کنند، ولو یک دختر باشد.

با این نصوص صریح و صحیح، و بشارات مکرر و مؤکد پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) دیگر ولادت دختر برای پدر و قبیله بار دوش به حساب نمی آید که از آن بیم داشته باشد، و نه علامت شوم و ننگ خانواده خواهد بود که آنها را به فال بد گیرند، بلکه دختر در اسلام نعمت الهی و مستحق شکرگزاری، و رحمتی که به برکت آن فضل و ثواب خدا طلب می گردد.

در پایان این بحث می توان جایگاه دختر در اسلام را از جایگاه فاطمه زهرا (رضی الله تعالی عنها) نزد پیامبر (صلی الله علیه وسلم) دریافت که می فرماید: «فاطمة بضعة مني، فمن أغضبها أغضبني»^(۲)

ترجمه: فاطمه قطعه گوشتی از وجود من هست، کسی او را به غضب آورد، مرا به غضب آورده است.

(۱) مسند احمد، حدیث: ۳۴۲۴.

(۲) صحیح البخاری، حدیث ۳۷۱۴.

این مفهوم حدیث به تعبیر دیگری از رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) نیز نقل شده است: فاطمه قطعه گوشتی از وجود من هست، خفه و دلگیر می سازد مرا چیزی که او را خفه سازد، و خرسند می گرداند مرا چیزی که او را خرسند گرداند.

(۳)

تکریم زن به حیث همسر

اسلام همچنان مقام زن را به صفت همسر مرد بالا برده است، و شأن زن را بالا برد و رهبانیت را باطل اعلان نمود و مردمان را به ازدواج تشویق کرد و پیوند زناشویی را نشانه ای از قدرت خداوند در هستی بر شمرد: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۱)

ترجمه: و یکی از نشانه های (دال بر قدرت و عظمت) خداوند این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (در پرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هر یک را شیفته و دلباخته دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه شکوفایی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسان ها و تعادل جسمانی و روحانی آنها بر قرار و محفوظ باشد) مسلماً در این (امور) نشانه ها و دلایلی (بر عظمت و قدرت خدا) است برای افرادی که (در باره پدیده های جهان و آفریده های خدا) می اندیشند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) همسر نیکو را بهترین ثروتی می شمارد که مرد در دنیا از خود دارد، و همین همسر صالحه را یکی از اسباب سعادت شوهر به حساب آورد.

در یک حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) خطاب به عمر (رضی الله تعالی عنه) فرموده اند: «ألا أخبرك بخير ما يکنز المرء؟ المرأة الصالحة، إذا نظر إليها سرته، وإذا أمرها أطاعته، وإذا غاب عنها حفظته»^(۱)

ترجمه: آیا ترا آگاه نسازم به بهترین ثروتی که مرد برای خود می اندوزد؟ این ثروت همسر نیک اوست، هرگاه به او بنگرد خوشنودش سازد، وقتی فرمانش دهد اطاعت کند و هنگامی که شوهر از خانه دور شود، از آبرو، ناموس، منزل و فرزندان و مال او حفاظت نماید.

در حدیث دیگر می فرمایند: «الدنيا متاعٌ، وخير متاع الدنيا المرأة الصالحة»^(۲)
ترجمه: دنیا همه متاع است، و بهترین متاع آن همسر نیکوست.

همچنان فرموده اند: «من رزقه الله امرأة صالحة فقد أعانه على شطر دينه، فليتق الله في الشطر الثاني»^(۳)

ترجمه: کسی را که خداوند همسر نیکو نصیب کند، بی شک او را در محافظت از نیم دینش کمک کرده است، پس در حفظ نصف دیگر دین خود از خدا بترسد.

در حدیث دیگر آمده است: "من سعادة ابن آدم ثلاثة، ومن شقوة ابن آدم ثلاثة؛ من سعادة ابن آدم: المرأة الصالحة، والمسكن الصالح، والمركب الصالح؛ ومن شقوة ابن آدم: المرأة السوء، والمسكن السوء، والمركب السوء"^(۴)

ترجمه: سه چیز از اسباب نیک بختی انسان است، و سه دیگر از اسباب بد بختی او؛ از اسباب نیک بختی انسان: همسر خوب، منزل خوب، و مرکب خوب است؛ و از اسباب بد بختی او: همسر بد، منزل بد و مرکب بد.

(۱) سنن ابوداود، حدیث: ۱۶۶۴.

(۲) صحیح المسلم حدیث: ۱۴۶۷.

(۳) المعجم الأوسط حدیث: ۹۷۲.

(۴) مسند احمد، حدیث: ۱۴۴۵. رواه أحمد والحاكم و ابن حبان عن سعد بن أبي وقاص (رضی الله تعالی عنه).

اسلام در کنار تکریم جنس زن، یک سلسله حقوق را برای همسر مرد تعیین کرده، و شوهر را ملزم نموده تا آنرا بجا آورد، مانند مهر، که نمایانگر رغبت و اراده شوهر نسبت به همسرش هست؛ قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبَّنَا لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا﴾^(۱)

ترجمه: و مهریه‌های زنان را بعنوان هدیه‌ای خالصانه و فریضه‌ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید.

نِحْلَه در زبان عرب به معنای عطیه و هدیه است نه به معنای بها و ارزی که شوهر در برابر بهره‌های جنسی به زن می‌پردازد، آنگونه که بعضی‌ها تبلیغ و اشاعه می‌کنند. از جمله حقوق همسر بر شوهر پرداخت نفقه و معاشرت حسنه با اوست، که در کتب فقهی بحث مفصل دارد.

باید علاوه کرد که آیین مقدس اسلام شخصیت همسر را با ازدواج در شخصیت شوهر ذوب نکرده است، چنانکه در فرهنگ غرب معمول است که همسر تابع شوهر می‌گردد، و دیگر همسر به نام و نسب و لقب خانوادگی خویش شناخته نمی‌شود، بلکه به نام همسر فلان مرد شناخته می‌شود؛ اما در اسلام استقلالیت و تشخیص شخصیت زن بعد از ازدواج همچنان محفوظ است؛ از اینجاست که ما همسران پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را با اسم و نسب خودشان می‌شناسیم، مثلاً: خدیجه بنت خویلد، عائشه بنت ابو بکر، حفصه بنت عمر، ام حبیبه بنت ابو سفیان، صفیه بنت حیی و غیرها.

همچنان در اسلام شخصیت مدنی زن با عقد ازدواج نقصان نمی‌یابد، و نه زن اهلیت خود را در باب عقود و معاملات و سایر تصرفات مالی از دست می‌دهد؛ بنابراین زن می‌تواند بعد از ازدواج مستقلانه به خرید و فروش دست زند، در ملکیت‌های خود تصرف کند و از دارایی خود ببخشد و صدقه کند، وکیل گیرد و دعوا براه اندازد و غیره معاملات.

فصل دوم

تعلیم و تحصیل زنان از دیدگاه اسلام

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله واصحابه اجمعين.

فضیلت علم از دیدگاه قرآن کریم:

الله تعالی در قرآن کریم فرموده: ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^(۱)

ترجمه: الله تعالی بلند می کند در جات آنهایی را که ایماندار هستند و درجات کسانی را که برای شان علم داده شده است.

همچنان الله تعالی می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۚ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^(۲)

ترجمه: بگو آیا برابر هستند آنهایی که می دانند و آنهایی که نمی دانند و هر آینه صاحبان عقل پند می گیرند.

همچنان الله تعالی فرمود: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾.^(۳)

ترجمه: هر آینه علماء از الله تعالی می ترسند.

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ. عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾^(۴)

(۱) سوره مجادله: ۱۱.

(۲) سوره زمر: ۹.

(۳) سوره فاطر: ۲۸.

(۴) سوره علق: ۱-۵.

ترجمه: بخوان به نام پروردگارت، ذاتی که پیدا کرده است. پیدا کرده است انسان را از خون بسته. بخوانی و رب تو اکرم است. ذاتی است که با قلم آموختاند. یاد داد به انسان آنچه رایکه انسان نمی دانست.

﴿وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلَاقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ﴾.^(۱)

ترجمه: اما کسانی که علم و دانش به آنها داده شده بود گفتند: «وای بر شما ثواب الهی برای کسانی که ایمان آورده اند و عمل صالح انجام می دهند بهتر است، اما جز صابران آن را دریافت نمی کنند.»

فضیلت علم از دیدگاه حدیث نبوی

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرموده: «من یرد الله به خیراً یفقهه فی الدین، و إنما العلم بالتعلم»^(۲)

ترجمه: کسی را که الله تعالی در حق وی اراده خیر کرده باشد، او را در دین فقاہت می دهد و علم به تعلم و آموختن است.

به روایت ابویعلی: (من لم یفقه لم یبال به).^(۳)

ترجمه: کسی که فقاہت و علم حاصل نمی کند، به او اعتنا و توجهی صورت نمی گیرد.

عن عبد الله بن مسعود رضی الله عنهما قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): «إذا أراد الله بعبد خيراً فقهه فی الدین و الهمة رُشده»^(۴)

(۱) سوره قصص: ۸۰.

(۲) صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶ چاپ پشاور دو جلدی.

(۳) الترغیب و الترہیب از ابن منذری، ج ۱ ص ۵۰، چاپ کمتبه حقانیہ.

(۴) مسند البزار، حدیث: ۱۷۰۰.

ترجمه: وقتی که الله تعالی به کسی ارادهٔ خیر کند، او را در دین فقاقت و فهم داده و یاد گرفتن آن را برایش الهام می‌کند.

عن أبي امامة (رضی الله عنه) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (العالم والمتعلم شريكان في الاجر ولا خير في سائر الناس).^(۱)

عن أبي موسي (رضی الله عنه) قال: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): «يبعث الله تعالى العباد يوم القيامة ثم يميز العلماء فيقول: يا معشر- العلماء إني لم أضع فيكم علمي لأعذبكم، اذهبوا فقد غفرت لكم».^(۲)

ترجمه: از ابو موسی (رضی الله تعالی عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (روز قیامت الله تعالی همه را زنده می‌کند و بعد علما را جدا می‌کند و می‌گوید: ای گروه علماء من علم را در شما به خاطر این ننهادهم که شما را عذاب دهم، بروید من به شما مغفرت نمودم.

همچنان رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده: «نضر الله امرأً سمع مقالتي فوعاها ثم أداها كما سمعها».^(۳)

ترجمه: الله تعالی تازه و خوشبخت بدارد شخصی را که سخنان مرا می‌شنود و خوب حفظ نموده و به دیگران طوری که شنیده می‌رساند.

(۱) سنن ابن ماجه، حدیث ۲۲۸.

(۲) المعجم الأوسط، ج ۴ / ۳۰۲ مکتبة الشاملة

(۳) شرح مشکل الاثنان از امام الطحاوي، حدیث: ۱۶۵۱.

وضعیت زنان قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب

اساسی ترین و مهم ترین حقوق انسان عبارت از حق زندگی اوست که خداوند (جل جلاله) در قرآن کریم برای تحقق این مأمول دساتیر واضح و قاطعی دارد، متأسفانه قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب بسیاری از زنان بخصوص دختران خورد سال ازین حق محروم بودند.

قرآن کریم وضعیت ناگوار دختران معصومی در جزیره العرب را اینگونه به تصویر می کشد:

﴿وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^(۱)

ترجمه: "و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود: به کدامین گناه کشته شدند؟!

خداوند در دومین مورد، برخورد ناهنجار دوره جاهلیت در برابر زنان را اینگونه به تصویر می کشد:

﴿وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ، وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾^(۲)

ترجمه: "آنها (در پندار خود) برای خداوند دختران قرار می دهند، منزّه است (از اینکه فرزندی داشته باشد) ولی برای خودشان، آنچه را میل دارند قائل می شوند... در حالی که هرگاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب تو شده، صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می شود، و به شدت خشمگین می گردد، بخاطر بشارت بدی که به او

(۱) سوره تکویر: ۸-۹.

(۲) سوره نحل: ۵۷-۵۹.

داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد (و نمی‌داند) آیا او را با قبول ننگ نگهدارد، یا در خاک پنهانش کند؟! چه بد حکم می‌کنند!

اساسی ترین عواملی که باعث محکومیت و مرگ دختران می‌شد نخست: عامل اقتصادی:

از دیدگاه اعراب دوره جاهلیت، اطفال دختر مایه "ضعف و ورشکستگی" اقتصادی به شمار می‌رفتند؛ در حالیکه فرزندان پسرنشانه "دارایی، ثروت، سرمایه و پیشرفت" محسوب می‌شدند.

آنها معتقد بودند که با کشتن دختران و توجه به فرزندان پسر می‌توانند به فقر و مشکلات اقتصادی خویش نایل آیند؛ لذا به کشتن دختران مبادرت می‌ورزیدند. خداوند با صدور فرمان قاطعی این حرکت ظالمانه اعراب دوره جاهلیت را محکوم نمود:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً﴾^(۱)
ترجمه: و فرزندانان را از ترس فقر، نکشید! ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است!

دوم: عامل فرهنگی و اعتقادی:

بیشتر اعراب پیش از اسلام زنده بگور کردن اطفالشان را به علت اینکه این دختران می‌توانند خواه از سر بد اقبالی و یا کج رفتاری و یا به دلیل ضعیف بودن نیروی دفاعی، مایه شرم و ننگ آنها گردند، توجه می‌کردند. به احتمال اینکه ممکن روزی وجود این دختر باعث صدمه دیدن غرور و غیرت خانواده گردد، دلیل کافی برای محکومیت نوزاد دختر به مرگ تلقی می‌شد.

این در حالیست که اعراب می دانستند که این عمل شان به معنی فساد در زمین خدا است؛ ولی آنها از این فرمان الهی همچنان سرباز می زدند. خداوند می فرماید:

﴿مَنْ أَجَلَ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَ ثَهُمْ رَسُولُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ﴾^(۱)

ترجمه: به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که (متجاوز کشته شود چرا که) هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل، یا فساد در زمین بکشد، چنان است که گوئی همه انسان ها را کشته است، و هر کس انسانی را از مرگ رهائی بخشد، چنان است که گوئی همه ی مردم را زنده کرده است؛ با (زیرا فرد نماینده ی جمع و عضو از اعضای جامعه است). و پیغمبران ما همراه با معجزات آشکار و آیات روشن به پیش ایشان آمدند و اما بسیاری از آنان (احکام خدا را نادیده گرفتند و) پس از آن در روی زمین راه اسراف (در قتل و جنایات) پیش گرفتند.

موقف اسلام در قبال زن

دین مقدس اسلام باقوت تمام در برابر این فرهنگ بی محتوا به پا خواست و رسول گرامی اسلام، نه تنها وجود دختران را مایه شرم ندانست، بلکه توجه به تعلیم و تربیت سالم آنها را مایه افتخار خود دانست و فرمود:

هر کسیکه دختری داشته باشد و پسرش را به دخترش ترجیح ندهد، خداوند او را به بهشت داخل خواهد کرد.

هر کسیکه دو دخترش (یا دو خواهرش) را تا بلوغ سرپرستی کند من با او در روز قیامت (باهم) اینگونه وارد می شویم. (و دو انگشتش را نشان می دهد).

دانشمندان و نظریه پردازان غیر مسلمان نیز از وضعیت اسفبار زنان در دوره های مختلف تاریخی بخصوص در دوره جاهلیت گفتنی هایی دارند که از آن جمله جواهر لعل نهرو مفکر و دانشمند معروف نیم قاره هند در کتاب اکتشاف هند می گوید:

وضع و موقعیت قانونی زن در شرایع و قوانین قدیمی غیر آسمانی، بسیار بد و نامطلوب بود طوری که زنان پیوسته بر پدر، شوهر و فرزند اعتماد می کردند، زیرا تمام ترکه شخص متوفی فقط به افراد مذکور تعلق می گرفت و زن اصلاً کدام حقی در ترکه متوفی نداشت.

نهرو به ادامه می گوید: "به هر حال، وضع و موقعیت زن در هند قدیم بهتر از وضع و حال زن در کشور یونان و یا روم قدیم بود، زیرا در قوانین روم قدیم اصلاً به اهلیت و شایستگی حقوق زن اعتراف نمی شد، بلکه او چون زن است، خواه به حد بلوغ رسیده یا نرسیده باشد، لذا پیوسته تحت حکم و ستور و زیر نظر پدر و یا شوهر بود و دارای هیچ گونه آزادی در تصرف اموال و دارایی خود نبود و به عنوان ترکه به ارث برده

می‌شد، اما هیچ ارث نمی‌برد "از قدیم الایام تا اندکی قبل از ظهور اسلام، وجود زن در میان اکثر قبایل عرب مورد تحقیر و تفرق قرار می‌گرفت و بیشتر سرپرستان و فرمان‌روایان، داشتن دختر را برای خود ننگ و عار می‌دانستند، لذا به محض تولد دختر او را زنده به گور می‌کردند!

اما بعد از ظهور اسلام، این وضع دردناک و حالت اسفبار تغییر می‌کند و دیگر تحقیر زن، زنده به گور کردن دختران و محروم شدن آنها از میراث در اسلام وجود ندارد. بعد از اسلام و وضعیت زنان به کلی تغییر کرد، و همان مقامی را که الله تعالی فطرتاً به زنان داده است، اعاده گردید، و به زن لقب مادر، خواهر، همسر، عمه، خاله و دختر را اعطاء نمود تا جاییکه قبل از اسلام وجود دختر و خواهر عار و شرم پنداشته می‌شد، مگر بعد از اسلام رسیدگی به حق و حقوق دختر و خواهر سبب داخل شدن به جنت می‌گردد.

به روایتی رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: "کسی که سه دختر داشته باشد و به حقوق آنها رسیدگی نماید، به سبب آن به جنت داخل می‌گردد"، شخصی آمد و گفت: یا رسول الله! اگر دو دختر داشته باشد چه گونه است، پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: "اگر دو دختر داشته باشد هم همچنین است"، شخص دیگری آمد و گفت یا رسول الله! اگر کسی یک دختر داشته باشد چه گونه است، حضور (صلی الله علیه وسلم) فرمود: اگر یک دختر هم داشته باشد، چنین است. الله تعالی جایگاه زنانی را که مقام مادر را کسب می‌نمایند این گونه توضیح می‌دارد:

﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾^(۱)

شخصی به نزد رسول الله (جل جلاله) آمد و گفت: ای رسول خدا! چه کسی شایسته تر است که با او در دنیا زیاده تر احسان و نیکویی نمایم؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود:

أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: أَبُوكَ. یعنی مادرت زیاد شایسته تر است تا با او نیکی نمایی، گفت: بعداً چه کسی؟ پیغمبر فرمود: مادرت، باز پرسید بعداً کی شایسته تر است؟ فرمود: مادرت، باز پرسید باز کی؟ پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرمود: پدرت.

پس حکم تحصیل و تعلیم زنان از دیدگاه اسلام چیست؟

در گذشته مرد نسبت به زن از امتیازات گوناگونی برخوردار بود، که در مقایسه به زن، زن اصلاً ارزش نداشت، مگر با آمدن اسلام این تبعیض از بین می‌رود و ملاک برتری و امتیاز فقط به عمل و تقوا قرار داده می‌شود، آنجا که الله تعالی می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^(۱)

ترجمه: هر کس چه مرد چه زن، کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، به طور حتمی (در دنیا) به او زندگی پاکیزه و خوشایند می‌بخشیم و در آخرت مسلماً به آنان بهتر از آنچه که انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

آنچه در مورد فضیلت علم گفته شد، شامل مرد و زن می‌گردد، رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) فرموده:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَىٰ كُلِّ مُسْلِمٍ»^(۲)

ترجمه: طلب علم بر هر مسلمان فرض است.

(۱) سوره نحل: ۹۷.

(۲) سنن ابن ماجه، حدیث: ۲۲۴.

در این حدیث، مسلم عام است که شامل مرد وزن می‌گردد، اگر این حدیث تنها شامل مردان گردد، پس بر زنان علم ضروری مثل علم نماز، روزه، زکات و غیره باید فرض نباشد، در حالی بر زنان هم تمام علوم ضروری و دینی فرض است و هیچ کس از آن منکر نیست.

ابن حزم می‌گوید: "بر هر زن مسلمان فرض است، که مسایل مربوط به دینش را، فرا گیرد، مثل که بر مردان فرض است، پس بر زن عاقله و بالغه فرض است که امور نماز، حیض، نفاس، روزه، آداب زندگی، آداب معاشرت، اگر مال دار باشد، امور زکات، و اگر حج بر او فرض باشد، امور حج و غیره امور و علوم که مربوط به حال وی می‌شود، فرا گیرد و هم چنان بر زن مسلمان فرض است تا تمام امور حرام و حلال را فرا گیرد."

عائشه (رضی الله عنها) می‌گوید: «نعم النساء، نساء الأنصار لم یمنعهن الحیاء أن یتفقهن فی الدین».^(۱)

ترجمه: بهترین زنان، زنان انصار (زنان اهل مدینه) هستند، که شرم، از فقاهاست و دانش در دین، آنها را منع نکرد.

عن زینب عن أم سلمة قالت جاءت أم سليم إلى رسول الله فقالت يا رسول الله إن الله لا يستحيي من الحق فهل على المرأة من غسل إذا احتلمت قال النبي (صلى الله عليه وسلم) إذا رأت الماء فغطت أم سلمة تعني وجهها وقالت يا رسول الله و تحتلم (أو تحتلم) المرأة قال نعم تربت يمينك فهم يشبهها لودها).^(۲)

زینب از ام سلمه (رضی الله عنها) روایت می‌کند: "ام سلیم به نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمد و گفت: ای رسول الله! خداوند از گفتن حق حیاء نمی‌کند، آیا اگر زن

(۱) صحیح بخاری، حدیث: ۱۲۹ و مسلم حدیث، ۳۳۲.

(۲) صحیح بخاری، حدیث: ۱۳۰.

احتلام شود غسل بالایش فرض می گردد و یاخیر؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت بلی، در صورت که آب را مشاهده نماید، ام سلمه روی خود را از رسول الله (صلی الله علیه وسلم) پنهان نمود و گفت: یا رسول الله! آیا زن هم احتلام می شود؟ پیغمبر گفت: خوار نشوی، اگر احتلام نشود، پس چه طور طفل مشابه مادر خود می باشد".

ام کثیر بنت یزید انصاری می گوید:

(عن ام کثیر بن یزید الأنصارية قالت دخلت أنا و أختي على النبي (صلی الله علیه وسلم) فقلت له إن أختي تريد أن تسألك عن شيء و هي تستحيي قال فاسأل فإن طلب العلم فريضة...) ^(۱)

"من با خواهرم به نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمدم و گفتم ای رسول خدا! خواهرم می خواهد از شما سوالی نماید. رسول الله (صلی الله علیه وسلم) گفت: "سوال نما زیرا طلب علم فرض است".

از روایات فوق معلوم می شود که تعلم و فرا گرفتن علوم دینی بر زنان فرض است، و باید به هر عنوان که باشد زنان در فرا گرفتن علوم و معارف دینی خصوصاً مسایلی که ارتباط به امور روزمره می گیرد، مبادرت ورزند.

تعلیم دعا به زنان

عن اسماء بنت عمیس رضي الله عنها قالت: قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): (ألا أعلمك كلمات تقولينها عند الكرب؟ الله، الله ربي لا أشرك به شيئاً). ^(۲)

(۱) الإصابة في تمييز الصحابة، از احمد بن علي العسقلاني، حدیث ۱۲۲۱۶.

(۲) سنن أبي داود، حدیث: ۱۵۲۵.

از اسماء بنت عمیس (رضی الله عنها) روایت است که گفت: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: آیا به تو کلماتی را یاد ندهم که در وقت سختی ها آن را بخوانی؟ پس بگو الله الله و به او کسی را شریک نمی آورم.

سوال زنان از امور دین شان:

عن ابن عباس رضي الله عنهما أن امرأة رفعت إلى رسول الله (صلی الله علیه وسلم) صبيّاً فقالت: ألهذا حج؟ قال: نعم ولك أجر. ^(۱)

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که خانمی در مراسم حج طفل خود را به رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بالا کرده و سوال نمود؛ آیا بالای این طفل هم حج است؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: بلی؛ برای تو ثواب آن است.

سوال زنان از دین و مسائل علمی

امام بخاری (رحمة الله علیه) از عائشه (رضی الله تعالی عنها) روایت می کند که عائشه (رضی الله تعالی عنها) فرمود: فاطمه بنت ابی حبیش به نزد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) آمده و سوال نموده و گفت: ای پیغمبر الله! من خانمی هستم که علاوه از حیض مرض هم می بینم و پاک نمی شوم، آیا نماز را ترک کنم؟ رسول الله (صلی الله علیه وسلم) فرمود: (نخیر، مرض که می بینی حیض نیست، وقتی که حیض می بینی نماز را ترک کن و زمانی که حیض ختم می شود، غسل نموده و خود را پاک نموده و نماز بخوان).

زنان هم مثل مردان باید در ترویج و نشر علم بپردازند

زنان هم مثل مردان باید در نشر و پخش علوم دینی پرداخته و خود، علوم را فرا گرفته و به دیگران برسانند و از فیوضات علم و نشر آن مستفید گردند خود را و دیگران را به زیور علم مزین سازند.

الله تعالی در قرآن کریم فرموده: «وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا»^(۱)

ترجمه: یاد کنید (زنان) آنچه را که در خانه‌های تان تلاوت می‌شود از کتاب الله و حکمت، الله تعالی لطیف و خبیر است.

الله تعالی درین آیت مبارکه زنان را به وعظ و نصیحت امر نموده و به آنها دستور می‌دهد تا در عرصه رساندن علم و نصیحت به دیگران و رساندن علم مثل مردان بکوشند و نگذرانند که در خود و دیگران و اعضای فامیل شان در جهل و نادانی قرار گیرند.

واضح است که زن زمانی می‌تواند که در منزل و بیرون از منزل به وعظ و تبلیغ و رساندن دین و نصیحت بپردازد که اول خود علم را آموخته باشد و به زیور علم مزین باشد.

حکم وعظ و تعلیم مردان به زنان

اگر معلم و متخصص زن پیدا نشود تا زنان را درس دهد، مرد هم می‌تواند، تا به زنان تعلیم دهد و به زنان وعظ و تبلیغ نمایند.

امام بخاری از جابر بن عبد الله (رضی الله تعالی عنه) روایت می‌کند که فرمود: **قام النبی (صلی الله علیه وسلم) يوم الفطر فصلى فبدأ بالصلاة ثم خطب، فلما فرغ نزل فأتى النساء فذكرهن و هو يتوكأ على يد بلال و بلال باسط ثوبه يلقي فيه النساء الصدقة،** ^(۱)

ترجمه: رسول الله (صلی الله علیه وسلم) در روز عید فطر نماز عید را اداء کرده و بعد به سخنرانی پرداخت، بعد از فراغت از سخنرانی از منبر پایان شده و به نزد زنان آمده و به ایشان هم وعظ نمود در حال که بر سر بلال تکیه کرده بود و بلای چادر خود را گسترانیده بود و زنان دران چادر صدقات را جمع می‌کردند...

هدف از این حدیث اینست که پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) به نفس نفیس در میان زنان آمد و برای آنان وعظ و تبلیغ کرده تاحدی که سخنان رسول الله (صلی الله علیه وسلم) بر آنها تأثیر نموده و همه آماده صدقه گردیدند.

کتابت و دم و دعای زنان

عن الشفاء بنت عبد الله قالت: دخل علينا النبي صلى الله عليه وسلم و انا عند حفصة، فقال لي: «ألا تعلمين هذه الرقية النملة كما علمتها الكتابة؟». (۲)

ترجمه: از شفاء (رضی الله تعالی عنه) روایت است که رسول الله (صلی الله علیه وسلم) به ایشان گفت: چرا به حفصه دم دعای نملة را یاد ندادی چنانچه به او کتابت را یاد دادی.

(۱) صحیح بخاری، حدیث: ۹۷۸.

(۲) مسند احمد حدیث ۲۷۰۹۵

ضرورت تعلیم و تحصیل زنان

این به تجربه ثابت گردیده که تنها عالم بودن مردان در امور دین و دنیا در پوره ساختن حوایج و رفع مشکلات جامعه کافی نمی‌باشد، زیرا در هر خانه ممکن نیست که عالم مرد وجود داشته باشد و در بعض فامیل‌ها وجود مرد عالم کفایت و یا مؤثر تمام شده نمی‌تواند، زیرا در بعض حالات زنان نمی‌توانند که از پدر یا برادر و یا هم‌کاکا بعض سوالاتی را مطرح نمایند؛ پس اینجاست که ضرورت به آموزش و تحصیل زنان احساس می‌گردد. به این اساس زنان به سادگی و به سهولت می‌توانند ارزش‌های دینی و علمی را برای سایر اعضای خانواده به خصوص دختران خانه برسانند.

لهذا یکی از مهمترین اهداف تعلیم و تحصیلی زنان در جامعه اسلامی، توسعه تعلیمات و تحصیل ارتقای ظرفیت دینی و علمی سایر اعضای خانواده، رفع نیازمندی‌های دینی درمانی، حقوقی و جنسی خواهران در سطوح مختلف اجتماعی تعلیمی تربیتی و صحی می‌باشد.

دین مقدس اسلام به هیچ عنوانی مخالف تعلیم و تحصیل زنان مشروط به اینکه به هدف فوق راه اندازی شود، نیست.

محورهای تحصیل و تعلیم زنان

در تحصیل زنان ضوابط و شرایط ذیل باید رعایت گردد:

اول: جدایی میان مردان و زنان در وقت تدریس.

دوم: رعایت حجاب و پوشش اسلامی در مسیر راه.

سوم: در صورت امکان زن به زن تعلیم دهد.

چهارم: خارج شدن زن به خاطر تحصیل به اذن و اجازه سرپرست و اگر شوهر داشته باشد به اذن و اجازه شوهر باشد.

پنجم: از وقت خارج شدن از منزل تا برگشت به منزل جان و عزت زن در امن باشد.

ششم: سهولت های رفت و آمد از حیث ترانسپورتی مهیا باشد.

اهداف تحصیل و تعلیم زنان در پرتو تعالیم والای اسلامی قرار ذیل است:

الف: ادای فریضه که از جانب شریعت اسلامی متوجه آنهاست، یعنی آموختن علم

خودش فرض است و با آموختن، فرض الله تعالی اداء می گردد.

ب: دوری از جهالت و نادانی که سبب هلاکت انسان می گردد.

ج: مزین شدن به اخلاق اسلامی طبق ارشادات رسول الله (ص).

د: پیشبرد امور دینی و دنیوی در مطابقت به شریعت اسلامی.

ه: تربیه فرزندان به صورت درست.

و: شناخت فرایض و واجبات و عمل به آن و شناخت امور حرام و اجتناب از آن.

ز: شناخت الله تعالی و کسب سعادت دارین و هدایت دیگران به سوی کامیابی.

موانع شرعی یا حقوقی و پیامد های ناگوار عدم تعلیم و تحصیل زنان در افغانستان

شکی نیست به همان اندازه که آموختن علم فواید و خوبی هایی را در پی دارد، عدم تحصیل علم به همان تناسب قباحات ها و بدی هایی را در پی داشته می باشد. در هر جامعه هر بدبختی که مشاهده می شود، منشأ آن جهل بوده است و همین جهل و نادانی است که انسان را به هلاکت و شقاوت می کشاند و سبب می شود حق الله و حقوق العباد ضایع گردد.

منع از تحصیل و تعلیم به جامعه و معاشره در عرصه اخلاق، دیانت، اقتصاد، ترقی و پیشرفت ضرر می رساند. مشاهده می شود، در فامیل و جامعه که دانشمند و عالم اعم از زنان و مردان وجود داشته باشد، چنین جامعه از لحاظ اخلاقی و دینی در ترقی و تعالی

قرار دارد. اگر در یک فامیل عالمی اعم از مرد و یا زن وجود نداشته باشد، مشاهده می شود که نظام معاشره در چنین فامیل برهم و درهم بوده و فضای خانواده ملوث به بدبختی و شقاوت می باشد و اکثراً چنین فامیل ها از اخلاق و ادب به دور می باشند و در قبال یکدیگر احساس مسئولیت وجود ندارد و بالاخره زندگی مطابق شریعت به پیش نمی رود.

خانمی که از علم بهره ندارد، مشاهده می شود که در ادای فرایض هم چندان پابند نیست و در اجتناب از محرمات هم باکی ندارد. به هر حال عدم تعلیم دینی برای زنان و مردان سم و زهر قاتل است که سبب قتل معنوی شان می گردد.

حکم تحصیل علوم عصری و دنیوی برای زنان

دین مقدس اسلام زنان را به طور مطلق از آموختن و فراگرفتن علوم دنیوی و عصری منع نکرده است، در بعض حالات اگر زنان از فراگیری علوم عصری منع شده اند، نه به خاطر اینست که طبیعت و سرشت زن به علوم عصری عیار نیست یا زنان نمی توانند که علوم عصری را حاصل نمایند، بلکه بناء به عوارض خارجی و به خاطر مصلحت زنان بوده است.

اگر زنان به تحصیل علوم عصری می پردازند و تحصیل علوم ضروری دینی را مقدم بر تحصیل علوم عصری می دارند و در وقت تحصیل علوم عصری به جان، مال، عزت و عرض او کدام خطری متوجه نباشد، درین صورت، زنان می توانند که به تحصیل علوم عصری و دنیوی پردازند، بلکه در بعض حالات فرض کفایی است که زن به تحصیل علوم عصری پردازد. مثل آموختن علوم طب، قابلگی؛ شیردهی، خیاطت و غیره علوم که در کسب رزق حلال نقش مهم دارد.

در مجموع آموختن علوم که به اصل و سرشت زن کدام تضادی نداشته باشد، زن می‌تواند آن را بیاموزد، و علوم که به اصل و طبیعت زن مناسب نباشد، لازم نیست که زن آنرا بیاموزد، مثل علم تخنیک موتر، بنایی و غیره.

پس نظام‌ها و حکومت‌ها باید برای زنان به خاطر فراگیری علوم دینی و عصری، زمینه سازی نمایند، مؤسسه‌ها و نهادهای تحصیلی و تعلیمی را ایجاد و تأسیس کنند، تا زنان به صورت آسانی وبدون کدام تشویش به درس و تحصیل خود در عرصه علوم دینی و عصری پردازند.

فصل سوم

حقوق زن و حرمت خشونت علیه زنان

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله واصحابه اجمعين...

اما بعد: قال الله في قرآنه الحكيم: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾^(۱)

ترجمه: ای مردم از مخالفت پروردگارتان بپرهیزید همان کسی که شما را از یک انسان آفرید و همسر او را نیز از جنس او خلق کرد و از آن دو مردان و زنان بسیاری را منتشر ساخت.

با درود به ارواح طیبه شهدای اسلام، پیش از همه، خودم و شما مؤمنین، خواهران و برادران را به رعایت تقوای الهی توصیه می‌کنم.

موضوع صحبت امروز ما در رابطه به حقوق زن از نظر اسلام است، چرا این موضوع را انتخاب کردم؟ و چه مشکلات در این خصوص در جامعه ما وجود دارد؟ و اسلام عزیز چه حقوقی را برای زن‌ها به رسمیت می‌شناسد؟ آیا ما به عنوان یک مسلمان این حقوق را رعایت کرده‌ایم یا خیر؟ اینها و ده‌ها سوال دیگر ذهن هر کدام از من و از شما را به خود مشغول کرده است و قطعاً مشکلات نیز در این مسئله وجود دارد، در حالیکه همه می‌دانیم اسلام به عنوان بهترین و کاملترین دین هیچ فرقی بین مرد و زن از نظر خلقت و انجام عمل صالح قایل نیست قرآن کریم می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ

أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١﴾

ترجمه: هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد خواه مرد باشد یا زن در حالیکه مؤمن است او را به حیات پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده اند خواهیم داد. پس اسلام عزیز هیچ نوع تبعیض را نسبت به زن‌ها روا نمی‌دارد و همه حقوقی که برای مردان به رسمیت می‌شناسد با تفاوتی که در آن حکمت و مصلحت است، برای زن‌ها نیز به رسمیت می‌شناسد و ما زمانی بهتر و روشن تر اهمیت مسئله را درک می‌کنیم که نگاهی به دوره جاهلیت و قبل از ظهور اسلام داشته باشیم. و قبل از آن که وارد بحث شویم تعریفی از حق و حقوق داشته باشیم:

تعریف حق:

حق در لغت به معنی راست و درست، ضد باطل، ثابت و واجب هر کاریست که البته واقع شود، و نیز به معنی یقین، عدل و نصیب و بهره از چیزی و ملک و مال به کار می‌رود. (۲)

تعریف اصطلاحی:

۱- در اصطلاح فقه:

حق در فقه به دو معنی به کار می‌رود: یکی حق در مقابل حکم به این معنی که در قانون امور پیشینی شده که شخص می‌تواند به قصد خود برخی از آنها را تغییر دهد، این امور قابل تغییر را حق می‌گویند،

(۲) سوره نحل: ۹۷.

(۱) عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.

دوم حق به معنی نوع از مال است در مقابل عین، دین، منفعت و انتفاع^(۱)

۲- در اصطلاح حقوق:

حق توانایی و قدرتیست که حقوق هر کشور به اشخاص می‌دهد تا از مال بطور مستقیم استفاده کند و یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهد^(۲)

تعریف حقوق:

از حقوق تعاریف مختلفی صورت گرفته است که ما فقط یک تعریف که به بحث ما ارتباط دارد ذکر می‌کنیم:

- برای تنظیم روابط مردم و حفظ نظم در اجتماع حکومت برای هرکسی اختیاراتی را در برابر دیگران می‌شناسد و توان خاصی به او می‌دهد، این امتیاز و توانای را حق می‌نامند که جمع آن حقوق است به این قسم از حقوق، حقوق فردی هم گفته می‌شود مانند حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی شغل و... و بخش از این حقوق گاهی به عنوان حقوق بشر مورد حمایت قرار میگیرد^(۳)

و مبنای حقوق هم شریعت، عرف و رویه‌های قضایی می‌باشد که در کشورهای اسلامی مبنای حقوق بیشتر شریعت مقدس اسلام است.

پیشینه تاریخی حقوق زن

زنان در عرصه‌ها و دوره‌های مختلف تاریخی و شکل‌های گوناگونی مورد ستم واقع شده‌اند، بد نیست مرور کوتاهی بر وضعیت زنان در جوامع مختلف داشته باشیم:

(۱) جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینالوژی حقوق.

(۲) فاطمه فیهیمی، حقوق مالی زن، ص ۱۲.

(۳) همان.

۱- یونان:

یونان از کهن‌ترین تمدن‌ها است که سهم زیادی در پیشرفت جامعه بشری داشته است اما زنان در این جامعه برابری مظلوم و محروم بودند، آنان حق عقد قرار داد نداشتند، اقامه دعوی در محکمه قضای برایشان ناممکن بود، زن پس از مرگ شوهر ارث نمی‌برد.

۲- روم باستان:

زن رومی مانند کنیزی بی‌ارزش بود که هیچ قدر و منزلتی در اجتماع نداشت و چون برده خرید و فروش می‌شد، در برابر پدر و شوهرش حق مالکیت، معاشرت و حیات نداشت.

۳- ایران باستان:

زن در امپراطوری ساسانی شخصیت حقوقی نداشت و تنها به عنوان یک شیء فرض می‌شد، او تنها می‌توانست از آن کسی و یا حق کسی باشد.

۴- هند:

در قانون نامه مانو درباره زن چنین آمده است: زن سرچشمه بی‌آبروی است، زن سرچشمه نزاع است، زن سرچشمه زندگی خاکی است، لذا از زن حذر کن. از جمله آداب و رسوم رایج در هند قدیم مراسم (ساتی) یا زنده سوزی بود که بر طبق آن پس از مرگ شوهر همسر او را نیز همراه او در گودالی از آتش می‌سوزاندند یا زنده زنده دفن می‌کردند.

وضعیت زنان قبل از اسلام

زن پیش از اسلام و در دوره جاهلی خوار و فرومایه بود، عرب وی را منشأ ذلت و ننگ می‌دانست، وقتی به پدر خانواده خبر می‌دادند در خانه‌ات دختری پیدا شده است، چهره اش از شدت خشم و غضب سیاه می‌شد، با خود فکر می‌کرد که آن را به خواری ننگه دارد یا در خاک پنهان سازد، قرآن کریم وضعیت را چنین توصیف می‌نماید:

﴿وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ، يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَّا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾^(۱)

و هنگامیکه به یکی از آنها بشارت داده شود، که دارای فرزند دختر شده چهره اش از شدت ناراحتی سیاه می‌شود، در حالی که خشمگین است، بخاطر بدی بشارتی که به او داده شده است از قوم خود پنهان می‌شود، و سرگردان است که آیا او را به خواری نگهدارد، یا در خاک پنهان اش سازد، آگاه باشید که بد حکم می‌کنند.

جاهلیت مرحله از حیات بشری بود که با از بین رفتن تعقل و عدم حاکمیت آن بر قلم رو وجود، حضور و سلطه داشت، ظلم و جنایت نسبت به زنان آن چنان اوج گرفت که حتی حق حیات را نیز ازین موجود مکرم و لطیف گرفت، قرآن کریم در سوره تکویر می‌فرماید:

﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ، بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾^(۲)

از دختران زنده به گور شده سوال خواهد شد که به کدامین گناه کشته شده و این حق انسانی از آنها گرفته شد، فقط بخاطر تعصب ناروا و ننگ بدون جهت که مبادا زن‌ها و دخترها در جنگ‌ها اسیر شوند و مایه ذلت و خواری گردد.

(۱) سوره نحل: ۵۸-۵۹.

(۲) سوره تکویر: ۹.

وضعیت زنان بعد از اسلام

درست زمانی که می‌رفت تا چنین رفتار و اعمال پست، جاهلانه و وحشت‌ناک به روش فراگیر و ماندگار تبدیل شود، گویا صبر خدا هم لبریز شد و دیری نپایید که پیامبراش محمد (صلی الله علیه وسلم) را برای برچیدن آن بساط ننگین برانگیخت، بعثت پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) به منزله یک انقلاب و تحول عمیق و همه جانبه، و سر آغاز برای اصلاح وضع موجود و اعاده حقوق و جایگاه واقعی زن بود، اسلام عزیز با نگاه انسانی به زن و شخصیت آن، آن را از پرتگاه سقوط و نیستی نجات داد، آمد تمام حقوق و ارزش‌هایی که یک انسان برخوردار است برای زن هم به رسمیت شناخت، با ظهور اسلام: زن از کلیه حقوق فردی، اجتماعی، و انسانی برخوردار گردید، اسلام زن را مانند مرد، برخوردار از روح کامل انسانی، اراده و اختیار دانسته و او را در مسیر تکامل که هدف آفرینش است می‌بیند، لذا هر دو را در یک صف قرار داده و با ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾ مورد خطاب قرار می‌دهد، ملاک برتری را در تقوا و انسانیت می‌داند نه جنسیت نژاد و نسب، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^(۱)

ای مردم همه شمارا از یک زن و مرد آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرقه‌های مختلف گردانیدیم تا بدانید که اصل و نسب و نژاد مایه افتخار نیست، بلکه بهترین شما نزد خدا با تقواترین شما است.

حال که نگاه انسانی و عادلانه اسلام را نسبت به زن‌ها فهمیدیم، فهرست وار حقوقی که اسلام عزیز برای زن‌ها به رسمیت می‌شناسد بیان می‌کنم.

(۱)

حق حیات

انسان به عنوان گل سرسبد موجودات از حق حیات برخوردار است، و هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا﴾^(۱)

هر کس انسان مومن را بدون جهت به قتل برساند جایگاه‌اش آتش جهنم خواهد بود، و همیشه در آن باقی می‌ماند.

(۲)

حق مالکیت و استقلال مالی زن

در آیات قرآن و روایات بزرگان دین مالکیت و استقلال مالی آنان همانند مردان محترم شمرده شده و تفاوت و تبعیضی بین حقوق آن‌ها مشاهده نمی‌شود، قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ﴾^(۲)

مردان را نصیب است از آنچه به دست می‌آورند و زنان را نیز نصیبی، این آیه به روشنی و صراحت زنان و مردان را مالک دست آوردهای خودشان می‌داند، و از حضرت امام شافعی (رحمة الله علیه) نقل شده است: (الناس مسلطون على أموالهم)^(۳)

مردم نسبت به اموال و ما یملک خود سلطه و استیلاء دارند، و نیز از ایشان نقل شده، (حرمة مال المومن كحرمة دمه)^(۴)

(۱) سوره نساء: ۹۳.

(۲) سوره نساء: ۷.

(۳) مجلة البيان عدد ۲۳۸، از مجلس اسلامي باب الشعر في الفقه الإسلامي، ج ۲۶، ص ۲۷، المكتبة الشاملة.

(۴) سنن الدار قطني، حدیث: ۹۴.

احترام مال مؤمن مانند احترام خون اوست، در این روایات و امثال آن بین مرد و زن هیچ فرقی وجود ندارد و اطلاق ناس و مؤمن شامل زن و مرد می‌شود.

(۳)

حق اشتغال و تحصیل و درآمد

کار وسیله امرار معاش و فراهم آوردن وسایل زنده گی و تأمین رفاه و آسایش فرد است، نظام حقوقی اسلام دارای آن چنان عظمتی است با وجودی که پانزده قرن از قدامت آن می‌گذرد، هنوز کاملترین حقوق را مخصوصاً در مورد زنان مطرح می‌کند، با آنکه از نظر اسلام زن تکلیفی در تأمین خرج زندگی خانواده ندارد، و تأمین هزینه زن و فرزند تحت عنوان نفقه جزء وظایف مرد است، با این حال زن در انتخاب و اشتغال به شغلی که منافی مصالح خانواده گی نباشد مختار و آزاد است. حضرت خدیجه (رضی الله تعالی عنه) بانوی بزرگ اسلام به تجارت می‌پرداخت.^(۱)

(۴)

حق ارث

عرض کردیم در فضایی که زن از بسیاری از حقوق مالی و اجتماعی خود محروم بود، اسلام علاوه بر اعطای حقوق انسانی و اجتماعی و مدنی به آن و بالا بردن شأن و حیثیت انسانی او در مورد میراث زن نیز اعم از زوجه، مادر، دختر، و خواهر قوانین و مقررات را وضع کرده است، خداوند در آیه هفت سوره نساء می‌فرماید: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا﴾^(۲)

(۱) فاطمه فهیمی، حقوق مالی زن، ص ۱۱۱.

(۲) سوره نساء: ۷.

برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود بر جای می‌گذارند سهمی است، و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان می‌گذارند سهمی است، خواه آن مال کم باشد یا زیاد، این سهمی است تعیین شده و پرداختنی.

اشکال بر تفاوت میراث زن و مرد:

با توجه به آیه یازدهم سوره نساء که می‌فرماید ﴿لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾^(۱) در مواردی برای مردان دو برابر زنان میراث می‌رسد. گاه اشکال و سوال مطرح می‌شود که در اینجا تفاوت و تبعیض است، در جواب باید گفت زمانیکه به حکمت‌ها نگاه می‌کنیم این حکم اسلام عین عدالت است، از دید اقتصادی و مرحله مصرف، زن بیشتر از مرد بهره می‌برد، زیرا زن سهم و دارایی خود را نگه می‌دارد و هیچ الزامی برای خرج کردن آن ندارد، اما سهم مرد غالباً در جریان تأمین نفقه و هزینه زنده‌گی مصرف می‌شود، برای شما مثالی ذکر نمایم، پدری فوت کرد و از او یک پسر و یک دختر ماند، مبلغ شش صدهزار افغانی هم میراث ماند، چهار صدهزار افغانی برای پسر و دو صدهزار افغانی برای دختر، پسر ازدواج می‌کند برای هزینه عروسی و طویانه تمام پول‌هایش مصرف شد، اما دختر شوهر می‌کند، مهریه هم می‌گیرد، نفقه هم بالای شوهر، هیچ مصرفی ندارد.

(۵)

حق وصیت

یکی از حقوق زنان این است که می‌توانند مثل مردان وصیت نمایند، وصی قرار گیرند یا به نفع شان وصیت صورت گیرد، در این مورد هیچ فرقی بین زن و مرد وجود ندارد.

(۶)

حق نفقه

یکی از مهمترین حقوقی که دین مقدس اسلام برای زن در نظر گرفته است حق نفقه می‌باشد که به عنوان تکلیفی بر عهده شوهر قرار داده شده است، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا﴾^(۱)

و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادر را بطور شایسته بپردازد، و هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست، این آیه که در مورد زنان حامله مطلقه نازل شده پدران و فرزندان آنها را مکلف به پرداخت خوراک و پوشاک زنان کرده و در بیان وجوب نفقه در مورد مذکور صراحت دارد، آیه دیگر در این باره چنین است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾^(۲)

مردان سرپرست و نگهبان زنان اند بخاطر برتری‌های که خداوند از نظر اجتماع برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق‌های که از اموال شان در مورد زنان می‌کنند، و زنان صالح زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب همسر خود اسرار و حقوقی را که خدا برای آنان قرار داده حفظ می‌کنند.

(۱) سوره بقره: ۲۳۳.

(۲) سوره نساء: ۳۴.

قیم چنین معنی شده است: قیم کسی است که عهده‌دار مخارج دیگری شده و به وی انفاق می‌کند، و قوام و قیام صیغه مبالغه است، و منظور از بما آنفقوا در آیه شریفه انفاق و مهریه و نفقه همسران است،

و همچنان روایات بسیاری بر وجود نفقه زن دلالت دارد از جمله: پیامبر در خطبه حجه الوداع فرمود: ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾^(۱) بر شما باد خوراک و پوشاک زنان را به نیکی و شایسته‌گی اداء کنید.

(۷)

حق مهریه

کلمه مهر یا مهریه عیناً در قرآن به کار نرفته است و به جای آن کلمه صداق به فتح یا کسر صاد استعمال شده و صداق را این‌گونه تعریف کرده اند: صداق مالی است که مرد در عقد ازدواج به زن می‌دهد، در آیه چهار سوره نساء آمده است: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾^(۲)

مهریه زنان تان را از باب پاداش و یا بدهی به آنان بپردازید، نکاتی که از این آیه استفاده می‌شود:

۱- مهریه (صداق) نشانه راستین بودن علاقه مرد به زن است، چون صداق از ماده صدق است.

۲- با ملحق کردن ضمیر هن این مطلب را می‌رساند که مهریه به خود زن تعلق می‌گیرد، نه پدر، مادر، و برادر و مهریه مزد بزرگ کردن دختر نیست.

(۱) سوره بقره: ۲۳۳.

(۲) سوره نساء: ۴.

۳- با کلمه نخله که در ادامه آیه ذکر شده است، این نکته را متذکر می‌شود که مهریه عنوانی جز هدیه، پیش کش و عطیه را ندارد، و سخن کسانی را که معتقد اند مهریه بهای دختر است رد می‌کند، البته مهریه بحث مفصل دارد و بنای ما بر اختصار است.

(۸)

حق تعلیم و تحصیل

هدف تعلیم و تربیت از دیدگاه اسلام، کمال معنوی انسان و رسیدن او به قرب الهی است، و هیچ فرق بین زن و مرد وجود ندارد، پیامبر اسلام فرموده است: (طلب العلم فريضة علي كل مسلم)^(۱)

طلب علم و دانش بر هر زن و مرد مسلمان واجب است.

متأسفانه یکی از مشکلات ما در افغانستان این است که عده ای در بعضی موارد جلوتعلیم دختران را می‌گیرند در حالیکه اساس ترقی و پیش رفت یک جامعه تعلیم و تربیت است، اگر به تعلیم و تربیت زنان و دختران که نصف جامعه ما را تشکیل می‌دهند مطابق تعالیم اسلام اهتمام نداشته باشیم چگونه می‌توانیم از فیوضات علم و دانش بهره مند گردیده و به پیشرفت و تعالی در عرصه های گوناگون زندگی نایل آییم.

(۹)

حق انتخاب کردن

حق انتخاب کردن در صحنه های سیاسی می‌باشد و هم می‌تواند شامل انتخاب های زندگی زن شود، از آن جمله مهمترین و سرنوشت سازترین انتخاب برای یک زن همان انتخاب همسر آینده است، که متأسفانه در کشور ما بیشترین انتخاب ها از سوی والدین دختر صورت می‌گیرد و خود وی در این زمینه نقشی ندارد، به صراحت می‌توان گفت

(۱) سنن ابن ماجه، حدیث: ۲۲۴.

که عامل بسیاری از جرایم از قبیل: فرار از خانه، جرایم جنسی، خودکشی، دیگرکشی، تنبیه کودکان در خانه توسط مادر، طلاق و... ریشه در همین ازدواج‌های اجباری و قبل از سن رشد دارد، لذا توجه به این امر مهم می‌تواند مشکل کشای بسیاری از معضلات اجتماعی در جامعه افغانستان باشد، قانون مدنی افغانستان که برگرفته از فقه اسلامی است در ماده ۷۰ در موضوع ازدواج چنین مقرر می‌دارد:

"اهلیت ازدواج وقتی کامل می‌شود که ذکور سن ۱۸ و اناث ۱۶ سالگی را تکمیل کرده باشد"

پس از یکی از مهم‌ترین حقوق برای زنان و دختران جوان حق انتخاب همسر است که باید با آزادی و اختیار خود همسر آینده خود را انتخاب کنند، مگر متأسفانه در این خصوص بسیار مشکل داریم. در بعضی جاها عنعنه‌ای بسیار ناپسند وجود دارد که می‌خواهند با قربانی کردن احساس، عاطفه و شخصیت و آینده یک زن و یک دختر، نزاع و جنجالی خونی را خاتمه بخشند. و همین‌گونه است ازدواج‌های اجباری و بدل دادن‌هایی که در آن رضایت دختران لحاظ نمی‌گردد، در حالی که در سیره مبارک رسول الله (صلی الله علیه وسلم) این حق انتخاب همسر را کاملاً برای زنان و دختران به رسمیت می‌شناخت و دختران پیامبر با رضایت خود شوهر نموده اند. بد نیست روی عمل ناپسند بد دادن زنان مکثی داشته باشیم.

بد دادن:

بد دادن یک عرف قدیمی در برخی از مناطق افغانستان است که تا هنوز معمول است و عادتاً برای حل و فصل کشمکش‌های ذات‌البینی خانواده‌ها و یا دو قبیله از آن استفاده به عمل می‌آید، دختری از قبیله و یا خانواده مرد متجاوز یا قاتل به جانب متضرر داده می‌شود تا قناعت ایشان فراهم شده و جلوی قتل و کشتار بیشتر گرفته شود، بدون شک

توسل به چنین اعمال خشونت بار و خلاف تعالیم اسلامی که به سرنوشت دختران بازی می گردد از منظر شریعت اسلامی و قوانین نافذه کشور مردود است، به دو دلیل اشاره می کنم:

- ۱- قرآن می فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^(۱) هیچ کس بار گناهی دیگری را به دوش نمی کشد، بناءً این دختر چه گناهی دارد که قربانی جنایت کسی دیگر شود.
- ۲- در عنعنه بد دادن اجبار و اکراه نیز وجود دارد، زن بدون رضا و رغبت خودش قربانی جنایت دیگران می شود و این نکاح از اساس باطل است، لذا این عمل ناپسند و کار حرام است و باید حق انتخاب زوج و شوهر با کمال آزادی و اختیار به زن ها داده شود.^(۲)

(۱) سوره اسراء: ۱۵.

(۲) اضرار عرف و عنعنات ناپسند از منظر شریعت و قانون اسلامی، ص ۲۶.

(۱۰)

حقوق سیاسی و اجتماعی

زن به عنوان موجود ظریف، آرام بخش، و با تقدس دختری، خواهری، همسری و مادری در مسیر تکامل جامعه است، اگر ارزش خود را نشناسد و یا جامعه از موهبت او محروم باشد انحطاط آن جامعه قطعی است، زن و مرد در بهره مندی از حقوق و الزام به وظایف و مسئولیت ها مساوی اند، قرآن کریم می فرماید: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۚ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ۚ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾^(۱)

برتری هایی را که خداوند برای بعض از شما بر بعض دیگر قرار داده آرزو نکنید (این تفاوت های طبیعی و حقوقی برای حفظ نظام زندگی شما و بر طبق عدالت است، ولی با این حال) مردان را نصیبی از آنچه بدست می آورند و زنان را نیز نصیبی است.

بناءً اسلام حقوق اجتماعی و سیاسی را برای زنان در چارچوب شریعت به رسمیت می شناسد، یکی از این مسائل موضوع بیعت است و امروزه تعبیر می شود به حق رأی، یکبار در سال ششم هجرت در صلح حدیبیه و یک بار در فتح مکه انجام گرفت، زن ها دوش به دوش مردان، در این پیمان سیاسی و الهی وارد شدند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) هنگامیکه از زنان بیعت گرفت ثابت گردید که آنها از عناصر اصلی اجتماع و ارکان بنیادین جامعه هستند و می توانند در سرنوشت اجتماع نقش تعیین کننده داشته باشند.^(۲)

(۱) سوره نساء: ۳۲.

(۲) جایگاه حقوق زن، در قوانین جمهوری اسلامی افغانستان، مجموعه مقالات، همایش زنان در افغانستان از کبری گوهری، ج ۳ ص ۲۵۸.

مشکلاتی در مورد حقوق زنها:

انواع خشونت‌ها:

- ۱- خشونت فیزیکی.
- ۲- خشونت روانی.
- ۳- خشونت اقتصادی.
- ۴- خشونت جنسی.
- ۵- خشونت اجتماعی.
- ۶- خشونت بهداشتی و صحتی.
- ۷- ازدواج‌های قبل از وقت.
- ۸- ازدواج‌های اجباری.
- ۹- بد دادن دختران در منازعات قبیله‌ای و خانواده‌گی.
- ۱۰- محرومیت دختران از تحصیل و تعلیم.
- ۱۱- محرومیت زنان از حق مالکیت و حق میراث.
- ۱۲- محرومیت از فرصت‌های شغلی.
- ۱۳- نگاهی منفی و تبعیض آمیز نسبت به زنها.

راه حل‌ها:

- ۱- فرهنگ جامعه تغییر کند و احکام واقعی اسلام بیان گردد.
- ۲- با انواع خشونت‌ها مبارزه شود بویژه علمای کرام در این خصوص توجه نمایند.
- ۳- ازدواج‌های زیر سن و ازدواج‌های اجباری ممنوع گردد.
- ۴- به تحصیل و تعلیم زنها بیشتر اهمیت داده شود.
- ۵- حقوق شرعی و اسلامی زن‌ها رعایت گردد.
- ۶- قانون منع خشونت علیه زنها عملی گردد.

نتیجه:

اسلام عزیز شایسته ترین حقوق را برای زنان در نظر گرفته است، این ما هستیم که تفسیر بد از اسلام ارایه می کنیم و به فرمایشات قرآن عمل نمی کنیم، به قول شاعر:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی
هر عیبی که است در مسلمانی ماست

و تا زمانی که این حقوق را به رسمیت نشناسیم و به زن افغان حرمت و حق قایل نباشیم مشکلات جامعه ما حل نخواهد شد.